

نور عرشیان

چهل نور از نور دربار حضرت سید الشهداء علیہ السلام

از مدینه تا کربلا

سید محمد جعفر روضائی



رایحیه



نور عرشیان

چهل نور از انوار درّ بار

حضرت سید الشهداء علیه السلام از مدینه تا کربلا

نویسنده: سید محمد جعفر روضاتی

ناشر: رایحه عربت

تعداد صفحات: ۱۱۲ صفحه

لیتوگرافی: نادر

چاپ: سارنگ

صحافی: بعثت

شمارگان: ۱۰۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۸۰-۲۱-۴

تهران - خیابان فخر رازی - خیابان شهید نظری

کوی فرزانه - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶

تلفن: ۶۶۹۷۴۶۶۲ - ۶۶۹۷۴۳۴۰

سری‌نامه	: روضانی، محمدجعفر، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نور عرشیان: چهل نور از انوار در بار حضرت سیدالشهداء علیه السلام از مدینه تا کربلا/ سید محمدجعفر روضانی.
مشخصات نشر	: تهران: رایحه غرب، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ ص.
سایک	: ۴۵۰۰۰ ریال، ۴-۲۱-۵۴۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: برخاسته از احادیث معتبره و تفسیر و شرح کتب به فارسی است.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- خطبه‌ها
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- کلمات قصار
رده بندی کنگره	: ۱۳۶۱ ق، ۷/۱۳۶۴
رده بندی دیویی	: ۹۵۱/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۱۵۶۸۳

﴿فهرست مطالب﴾

مقدمه نویسنده	۷
نور اول	۱۶
نور دوم	۱۸
نور سوم	۱۹
نور چهارم	۲۲
نور پنجم	۲۴
نور ششم	۲۶
نور هفتم	۲۹
نور هشتم	۳۱
نور نهم	۳۳
نور دهم	۳۵
نور یازدهم	۳۷
نور دوازدهم	۳۹
نور سیزدهم	۴۱
نور چهاردهم	۴۳
نور پانزدهم	۴۵
نور شانزدهم	۴۷
نور هفدهم	۵۰
نور هجدهم	۵۲
نور نوزدهم	۵۵

نور سی و سوم..... ۸۴

نور سی و چهارم..... ۸۷

نور سی و پنجم..... ۸۹

نور سی و ششم..... ۹۲

نور سی و هفتم..... ۹۴

نور سی و هشتم..... ۹۶

نور سی و نهم..... ۱۰۲

نور چهارم..... ۱۰۷

نور بیستم..... ۵۷

نور بیست و یکم..... ۵۹

نور بیست و دوم..... ۶۱

نور بیست و سوم..... ۶۳

نور بیست و چهارم..... ۶۵

نور بیست و پنجم..... ۶۷

نور بیست و ششم..... ۷۰

نور بیست و هفتم..... ۷۲

نور بیست و هشتم..... ۷۴

نور بیست و نهم..... ۷۶

نور سی ام..... ۷۸

نور سی و یکم..... ۸۰

نور سی و دوم..... ۸۲

﴿مقدمه نویسنده﴾

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنتهدي لولا ان هدانا الله . اللهم
ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع
الحسين و اصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام و لعنة
الله على اعدائهم اجمعين

در هر یک از فصول تاریخ اسلام و غیر اسلام تحریف‌هایی روی داده
و می‌دهد و این تحریف‌ها که سیمای حوادث تاریخی را عوض می‌کند و
کار تحقیق محققان آینده را دشوار می‌سازد بوسیله طرفداران تندرو و یا
مخالفان کینه‌توز در حریم تاریخ روی می‌دهد. کدام صفحه از صفحات تاریخ
را می‌توان دید که گرفتار بلای تحریف نشده باشد و سیمای وقایع را آنطور
که بوقوع پیوسته به انحراف پایان نداده باشند. اما در تاریخ نهضت حضرت ابا
عبدالله الحسین علیه السلام با جرأت هر چه تمام می‌توان گفت که دشمنان کینه‌توز
راهی به تحریف این فصل از تاریخ را نیافته‌اند، این حرکت عرشی بقدری
ضریح و روشن و مقدس و غیر قابل انتقاد بوده است که حتی دشمنان
پدر بزرگوارش امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام و برادر

گرامیشان سبط اکبر پیامبر امام مجتبی (علیه السلام) در مقابل او سر تعظیم فرود آورده‌اند و نهضت وی را با جان و دل ستوده‌اند. روشنی این فراز از تاریخ بگونه‌ای است که هر کس در این راستا قلم به دست گرفته است به غیر از عظمت و بزرگی و شجاعت و صراحت و مردانگی و آزادمنشی جلودار این حرکت و پیروان آن بزرگوار چیزی ننوشته است.

تاریخ نهضت مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یکی از پرافتخارترین فصول تاریخ اسلام است و این دوره کوتاه کمتر از یکسال هر چند از نظر کمیت و طول زمان بسیار کوتاه و زودگذر بوده، اما از نظر کیفیت و آثاری که بر آن با رشد بسیار پر اثر و جاوید و زوال ناپذیر است.

در ماه محرم سال شصت و یک هجری در سرزمین عراق در کنار رودخانه فرات واقعه‌ای روی داد که به زعم دشمنان آن روز به لحاظ تاریخی بسیار جزئی و کم اهمیت می‌نمود. سپاهی عظیم که از طرف دستگاه خلافت اسلامی اموی تجهیز شده بود جمعیتی را که شمار آنان به صد نفر نمی‌رسید محاصره کرده و تحت فشار قرار دادند تا برای خلیفه وقت بیعت بگیرند و در مقابل وی تسلیم شوند. و چون این گروه تن به بیعت و تسلیم ندادند جنگی سخت در گرفت که مدت زمان آن بسیار کوتاه بود و در کمتر از یک روز کار یکسره شد و همه افراد آن سپاه کم جمعیت کشته شدند و چنان گمان میرفت که این حادثه تاریخی هم مانند صدها حوادث نظیر آن و یا مهمتر از آن که در تاریخ زندگی بشر اتفاق افتاده و یا اتفاق می‌افتد در گوشه‌ای از کتاب تاریخ ثبت شود و با مرور و گذشت زمان کهنه و یا فراموش می‌گردد.

اما از یک حقیقت بزرگ غافل بودند که این حادثه بر اساس جوهر خالص و حقیقی که در بردارد و جلوداری این حرکت که وجود مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) می باشد و مردان و زنانی که هر کدام از برجستگی خاص و ویژه ای برخوردارند نه تنها با گذشت زمان کهنه و یا فراموش نمی شود بلکه بر وسعت و عظمت و تأثیرات روز افزون آن افزوده خواهد شد. شاید بیشتر مردم در آن زمان که تحت تأثیر تبلیغات مسموم و جو آلوده آن قرار گرفته بودند بر این باور بودند که در این جریان کشتندگان امام (علیه السلام) و اصحاب بزرگوارشان برنده شده و تصور می شد که دیگر کسی یارای مخالفت با بنی امیه را نخواهد داشت و در آینده تاریخ اسلام نام امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و فرزندان آن حضرت به عظمت و بزرگی برده نخواهد شد و دل‌های دوستان اهل بیت که از شهادت امام و باران حضرتش جریحه دار شده با گذشت زمان التیام خواهد یافت و آرام خواهد گرفت و این مصیبت هم مانند دیگر مصائب فراموش شده و از یاد خواهد رفت. اما آینده تاریخ نشان داد که این تفکر کاملاً مردود بوده و خلاف آن به گونه ای دیگر شکل گرفت. مشکلی که غالباً مردم را گمراه می کند همین است که نمی توانند به آسانی کارها و رفتارهای مشابه را تفکیک کرده از یکدیگر باز شناسند. همیشه حساب کسانی که برای خدا می گویند و برای خدا قیام می کنند با حساب مردمی که گرفتار امراض شخصی و اسیر هوی و هوسند را باید جدا کرد. اما جای خوشوقتی است که اگر مردم دچار اشتباه شوند تاریخ اشتباه نمی کند و با گذشت زمان موجبات اشتباه از بین خواهد رفت. در تاریخ وقوع حادثه

کربلا و عاشورای سیدالشهدا (علیه السلام) عده بسیار محدودی از اهل بیت و شیعیان بودند که می‌توانستند این حادثه را درست و صحیح ارزیابی کنند و از آثاری که در آینده تاریخ بر آن خواهد گذشت سخن بگویند و مردم را از اشتباهی که بدان گرفتار شده بودند تا اندازه‌ای بیرون آورند.

این نگاه درست به آینده از بهره‌مندی نور وجود بزرگواری است که جد بزرگش بزرگ پیامبران حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله)، او را (مصباح الهدی) و همان چراغ هدایت و روشنگری خواند. حال که سخن بدینجا کشیده و قلم به اینجا رسید دل‌های دوستان حضرتش را به سخنی نورانی از سید کائنات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) روشن می‌کنیم: «عن الحسن بن علی (علیه السلام) قال دخلت علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) مرحباک یا ابا عبدالله یا زین السموات و الارضین فقال له ابی بن کعب و کیف یكون یا رسول الله زین السموات و الارض احد غیرک فقال (صلی الله علیه و آله) یا ابی و الذی بعثنی با الحق نبیا ان الحسن بن علی فی السماء اکبر منه فی الأرض و انه لمکتوب عن یمین عرش الله مصباح هدی و سفینه النجاة».

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: روزی بر جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدم در حالی که ابی بن کعب در خدمت حضرتش حضور داشت. در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آفرین بر تو ای ابا عبدالله ای زینت آسمانها و زمین‌ها پس ابی بن کعب به آن حضرت عرض کرد ای رسول خدا چگونه

این چنین است که غیر از شما دیگری زینت آسمان‌ها و زمین باشد پس رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابی‌قسم به خداوندی که مرا بر حق مبعوث گردانید به پیامبری همانا حسین بن علی علیه السلام در آسمانها بزرگ‌تر است تا در زمین و اینکه نوشته شده بر راست عرش خدا که (او) چراغ هدایت و کشتی نجات است.»

آری این وجود مقدس حضرت حسین بن علی سید الشهداء علیه السلام است که از همان ساعتی که از مدینه حرکت می‌فرماید نیک میداند که چه می‌کند، کجا می‌رود، و نتیجه این حرکت چگونه خواهد بود، و به کجا می‌انجامد، بر همراهان و خاندان پیامبر هم این حقایق پوشیده نبود و در کار خود بصیرت و آگاهی کامل داشتند. اگر دشمنان اهل بیت از خدا نمی‌ترسیدند و از رسول خدا ﷺ شرمی نداشتند چرا از تاریخ نمی‌ترسیدند و از آن بیمناک نبودند که آنچه می‌گویند و یا انجام می‌دهند تاریخ همه را خواهد نوشت و به دست آیندگان خواهد سپرد و در کتابها درج و در کتابخانه‌های دنیا با مراقبت کامل نگهداری خواهد شد. تاریخ آئینه‌ای است که چهره هر کس را آنچنان که بوده نشان خواهد داد، اشخاص و افراد از میان می‌روند اما تاریخ بر سر جای خود ایستاده است و با کمال هوشیاری بر نیک و بد اشخاص نظارت می‌کند و بر خلاف آنچه شاید بسیاری از مردم تصور کنند که گذشت زمان حقایق تاریخی را از یاد می‌برد و چهره‌های آشکار حوادث را نهفته می‌سازد، باید گفت تاریخ با مرور زمان درست برعکس این پندار حقایق نهفته را آشکار می‌سازد و موانعی را که برای معاصران حوادث تاریخی پیش

می‌آید برای آیندگان از بین می‌برد تا بهتر از مردم معاصر بتوانند بر حقایق آن آشنا شوند. گذشت زمان نه تنها مانعی در راه تحقیق و بررسی حوادث بوجود نمی‌آورد بلکه موانع را بر طرف نموده و راه تحقیق را برای محققان بی‌غرض روشنتر می‌سازد، تحقیقاً تاریخ عاشورای حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) برای کسانی که معاصر نبودند آسان‌تر از معاصرین می‌باشد و مشکلاتی که برای آنان وجود داشته برای آیندگان چنین نبوده و نخواهد بود و این حقیقتی است که قرآن فرموده: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون».

تاریخ بسیار نیرومند و با قدرت است و امکان ندارد که امانت و درستی خود را از دست بدهد و تابع هوسها و آرزوهای این و آن شود. خوبیها را ثبت می‌کند، بدیها را ثبت می‌کند، نوشته‌ها را، گفته‌ها، موعظه‌ها، زورگوئیها، محبت‌ها و ستم‌ها را با کمال امانت در جای خودش قرار می‌دهد. و اگر جز این بود که قیافه‌ها در تاریخ جابجا شود، در صفحه تاریخ، فرعون با قیافه حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت موسی در قیافه مردی مکی خدائی ظاهر شود، دیگر خداوند تعالی بر بندگان خود چه حجتی داشت؟! و دستاویز بندگان خدا در شناختن حق و باطل چه بود؟ آنچه موجب اطمینان و امنیت بندگان خدا در فداکاری و جان دادن در راه خدا است. همین امانت‌داری تاریخ است. در حقیقت همین حافظه‌ای است که خداوند تعالی در جهان آفرینش قرار داده که هیچ کاری و اقدامی و حرکتی در این حافظه از بین نرفته و ثابت خواهد ماند.

جمله ذرات عالم در نهان با تو می گویند روزان و شبان
 ما سمعیم و بصیر و باهشیم با شما نامحرمان ما خاموشیم
 چون شما سوی جمادی می روید محرم جان جمادان کی شوید
 از جمادی در جهان جان روید غلغل اجزای عالم بشنوید

آری این وجود مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که مصداق روشن و آشکار نفس مطمئنه است که در مقابل آن گروه منافق فرمود: به خدا قسم مانند بیچارگان و فرومایگان دست بیعت به اینان نمیدهیم و چون بندگان از میدان نبرد با زورگویان نمی گریزم، و از شر شما مردم و هر متکبری که ایمان به روز حساب نیاورده به پروردگار خویش پناه می برم.

آری این همان کلامکم نور و امرکم رشد است که از زبان سبط پیامبر خاتم حجت الهی و سومین وصی خاتم الانبیاء ایراد شده و در تابلوی نظام آفرینش آنچنان نقش بسته و تا ابد زنده خواهد ماند چرا که کلمات طیبه همچون درخت پاکی است که استوار و پایرجا برقرار مانده و شاخه های پاکی اش به آسمان کشیده می شود.

اگر وجود مقدس حضرت حسین بن علی علیه السلام و اصحاب و خاندان گرامیشان هدف دنیوی داشتند و مانند بسیاری از افراد عادی مردم در راه یک هدف مادی کشته می شدند امکان پذیر نبود که در دنیا این عظمت را به دست آورند. چهره این حرکت خود نشان دهنده این حقیقت است که نه آلوده به دنیا طلبی و مادیگرایی و هرگونه اغراض دیگر دنیوی و شخصی نبوده، بلکه از تفکر و منطق قرآن که همان کمال انسانی است سرچشمه

گرفته و بدنبال پویایی آن سیر می کردند و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدين.

روزی مانند روز حسین بن علی علیه السلام نبوده، نیست و نخواهد بود «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً» و آنچنان که خود آن بزرگوار فرمود: «لا اعلم و اصحاباً او فی و لا خیراً» من اصحابی بهتر و خوبتر و با وفاتر از اصحابم را نیافتم (در هیچ زمانی) و یارانی مانند آنان وجود نداشته و نخواهد داشت. هم اکنون این عظمت و بزرگی را می توان از خطبه ها و سخنرانی های آن امام معصوم و حجت خدا علیه السلام که در مدینه و مکه و در بین راه حجاز و عراق و کربلا بیان فرموده اند را بخوبی دریافت و از منطق و اندیشه جاودانه آن حضرت کسب نور و فضیلت کرد تا بتوان آنچنان که باید کسب معرفت نمود. «و یا لیتنی کنت معکم فاقور فوزاً عظیماً» را با تمام وجود ابراز داشته و از عمق جان و دل تشکر نمائیم.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد خواننده گرامی مجموعه ای که در پیش رو دارید یک سلسله از انوار درربار آن حضرت از مدینه تا کربلا است که به عنوان عرض ادب و ارادت و اظهار حقارت و کوچکی در پیشگاه با عظمت آن حضرت و اصحاب بزرگوارشان تقدیم دلباختگان، سینه چاکان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می شود، به امید آنکه قبول نظر افتد و ذخیره سعادت دنیا و آخرت این کمترین قرار گیرد و مدال روزی باشد که یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم.

دیگر از این به چه تمنا کنیم
 وی رخ تو شاهد و مشهود ما
 مسکن ما، منزل و مأوی ماست
 خاک سرای تو سریر من است
 گر نوازی تو که خواهد نواخت
 چاره ما کن که پناهنده‌ایم
 گر تو برانی به که روی آوریم

گر من و دل در بر او جا کنیم
 ای در تو مقصد و مقصود ما
 کوی تو بزم دل شیدای ماست
 عشق تو مکنون ضمیر من است
 جز در تو قیام نخواهیم ساخت
 در گذر از جرم که خواهیم
 چاره ما ساز که بی‌باوریم

تهران ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۳

سید محمد جعفر روضاتی

نور اول

فرمایش حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام به اسناد اردینه

أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطُ
الرَّحْمَةِ بِنَافِثَةِ اللَّهِ وَبِنَا يَخْتِمُ وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ
الْمُحْتَرَمَةِ مُعَلَّنٌ بِالْفُسْقِ وَمِثْلِي لَا يَبَاحُ مِثْلُهُ وَلَكِنْ نُصْبِحُ وَتُصْبِحُونَ وَنَنْظُرُ
وَتَنْظُرُونَ إِنَّا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ.

ترجمه و توضیح

ای امیر ما هستیم خاندان نبوت و معدن رسالت، و این خاندان ما است که
محل آمد و رفت فرشتگان و محل نزول رحمت خدا هستند خداوند اسلام را
از ما خاندان شروع فرموده و تا پایان همگام با ما پرستش خواهد شد اما یزید